

کارتن خوابی که خانم دکتر شد

وقتی پدرم، مادرم را طلاق داد من تنها هفت سال داشتم. پدر و مادرم خیلی راحت از هم جدا شدند ولی اصلاً نفهمیدند که چقدر ما را آزار دادند. در عالم کودکی برای مادرم دلنگ می‌شدم و تمام تقصیرها را به گردن پدر می‌انداختم برای همین بود که کم کم از پدرم فاصله گرفتم و از او بدم آمد.

دست ۹ ساله بودم که برای اولین بار از خانه فرار کردم، هیچ کس و هیچ جا را نمی‌شناختم برای همین به گدایی در کوچه‌ها و خیابان‌ها افتادم؛ پدرم بعد از یک هفته مرا پیدا کرد و به خانه بازگرداند ولی من در خانه دنبال مادرم می‌گشتم. هر طرف را که نگاه می‌کردم او را می‌دیدم و بی‌اینکه پدرم خیلی تلاش می‌کرد ولی من او را دوست نداشتم تا ۱۴ سالگی تحمل کردم ولی دوباره از خانه فرار کردم. این بار هم کار گدایی کردن نبود. پدرم بعد از یک ماه مرا گوشه یک خیابان پیدا کرد و دوباره به خانه برد. او به من گفت چرا این کار را می‌کنی؟ چرا درس نمی‌خوانی؟ چرا گدایی را به خانه ترجیح می‌دهی؟

نمی‌توانستم جواب سؤال‌هایش را بدهم. با اینکه پدرم زن نگرفته بود و تنها زندگی می‌کرد ولی من تمام ناراحتی‌هایم را از چشم او می‌دیدم. او را مقصر می‌دانستم و فکر می‌کردم او باعث و بانی تمام این تلخی‌ها و ناراحتی‌هاست. پدرم دیگر هر کاری که می‌گفت بکن من برضد آن عمل می‌کردم اصلاً انگار او دشمن من بود. انگار بین من و او نباید اصلاً هیچ جریانی به وجود می‌آمد.

بالاخره ۱۷ ساله که شدم در یک مغازه شروع به کار کردم ولی انگار این محیط خانه و مادرم که گاهی او را می‌دیدم همه نوعی احساس منفی به من وارد می‌کردند برای همین بود که تصمیم گرفتم تا از هر دو آنها انتقام بگیرم. روزی که پدر در خانه نبود با برداشتن یک بسته دلار از خانه فرار کردم. به هزار سختی و دلهره خودم را به یکی از شهرهای غرب کشور رساندم و همانجا شروع به کار کردم. کم کم برای خودم اندوخته پیدا کردم و اندوخته‌هایم کم کم سرمایه‌ام شدند. تنها دلخوشی‌ام همین

از خودت پرسیده‌ای مادرت کجاست؟! چرا یکبار هم سراغت نیامده است؟! واقعا پرسیده بودم؟! دلش را این می‌دانستم که پدرم اجازه نمی‌دهد؟! پدرم سر به زیر انداخت و گفت مادرت اگر رفت چون عاشق منم غربیه‌ای شده بود که الان با او ازدواج کرده و در آلمان زندگی می‌کنند! چرا یکبار به او زنگ نزدی؟! چرا یکبار او به تو زنگ نزنه؟! چرا خانواده مادرت تا الان با تو در تماس نبودند؟! چون شرمده‌ات بودند. من قسم خوردم کنارت باشم و هستم تا آخر عمرم!

گریه‌های پدرم مرا شرمند کرده! دیدم او تنها از من است و چقدر دل پردردی دارد! بغلش کردم و قول دادم روسفیدش کنم! بلافاصله در مدرسه بزرگسالان ثبت نام کردم و همزمان به کلاس‌های زبان رفتم. الان ۳۰ ساله‌ام و با حمایت پدرم خانم دکتری شدم و پدرم همیشه می‌گوید تو زیباترین خانم دکتری روی زمین هستی!

حوادث ویژه

این مرد شیاد را بشناسید



دادستان عمومی و انقلاب فردیس با اعلام شناسایی و بازداشت کلاهبرداری که خود را به عنوان مأمور شرکت آب و فاضلاب معرفی می‌کرد، گفت: وی از این طریق پول زیادی دریافت کرده است. حسین ناصرخاکی افزود: این متهم با نام «مجتبی دربانند» که در سطح استان خود را به عنوان مأمور آب و فاضلاب با عناوین غلامی یا رضایی معرفی می‌کرده، اقدام به اخذ مبالغی از مشتریان آنجا تحت عناوین مختلف از جمله پرداخت بدهی و رشوه داشته است که پس از اقدامات فنی توسط پلیس آگاهی شهرستان فردیس دستگیر شد.

دادستان فردیس با اشاره به صدور دستور قضایی برای انتشار تصاویر متهم متذکر شد: پرونده این متهم در شعبه پنجم دادرسی دادسرای عمومی و انقلاب فردیس مفتوح است و چنانچه هر یک از مشتریان اقدام به پرداخت مبالغی به نامبرده یا واریز وجه به حساب شخصی به نام «فاطمه دربانند» کرده‌اند، می‌توانند برای طرح شکایت یا به همراه داشتن رسید واریز وجه خود به شعبه پنجم دادرسی دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان فردیس مراجعه کنند.

قصاص برای قاتل شهید احترامی



قاتل شهید احترامی بعد از ۱۴ ماه به قصاص محکوم شد.

رئیس کل دادگستری هرمزگان بیان کرد: پس از گذشت حدود ۱۴ ماه از وقوع حادثه قتل شهید ستوان سوم رضا احترامی (مأمور یگان امداد فراجا در بندرعباس)، حکم عامل این جنایت در دادگاه کیفری یک استان هرمزگان صادر و به مجازات قصاص نفس محکوم شد.

جوان گمشده کجاست؟!



پلیس با انتشار تصویر این جوان گمشده از شهر بندر انخواست کسانی که از سرنوشت این مرد اطلاع دارند پلیس را در جریان قرار دهند. سرهنگ کارآگاه علی ولیپورگودری، رئیس پلیس آگاهی بخت از انتشار عکس چهره یک مرد گمشده خبر داد و گفت: شهروندان در صورت هر گونه اطلاع از این مرد جوان، موضوع را سریعاً به اداره چهارم این پلیس گزارش دهند.

وی اظهار کرد: تیرماه امسال رسیدگی به پرونده قتلانی یک مرد ۳۰ ساله در دستور کار کارآگاهان اداره چهارم پلیس آگاهی قرار گرفت. تحقیقات ابتدایی حکایت از آن داشت که مرد جوان از استان لرستان به قصد کار وارد تهران شده اما به دلایل نامشخصی ناپدید شده است که در پی این موضوع خانواده وی قتلانی مرد ۳۰ ساله را به اداره چهارم پلیس آگاهی گزارش کردند. کارآگاهان در نخستین گام از پزشکی قانونی، بهزیستی و بیمارستان‌های تهران هویت اولیه هویت قاتل شناسایی و مشخص به سرنخی دست نیافتند. سرهنگ ولیپورگودری با بیان اینکه تحقیقات در رابطه با این پرونده همچنان ادامه دارد، خاطرنشان کرد: با دستور بازپرس شعبه نهم دادسرای ناحیه ۲۷ (امور جرایم جنایی)، عکس مرد گمشده برای شناسایی از سوی شهروندان منتشر شده است و اگر شهروندان هر گونه اطلاعی از این مرد دارند، می‌توانند موضوع را با شماره تلفن ۵۱۰۵۵۴۸ یا کارآگاهان اداره چهارم پلیس آگاهی گزارش کنند.

بازداشت قاتل جوان کنگاور در تهران

قاتل فراری که در روزهای گذشته مردی ۲۵ ساله را با سلاح ساچمه‌ای غیرمجاز به قتل رسانده بود، کمتر از یک هفته توسط کارآگاهان پلیس آگاهی کنگاور در یکی از شهرهای استان تهران دستگیر شد. سرهنگ حیدر حق‌جوین، فرمانده انتظامی شهرستان کنگاور گفت: در پی قتل مردی ۲۵ ساله با سلاح شکاری در روز ۲۲ تیرماه در یکی از محله‌های کنگاور و متواری شدن قاتل، بررسی موضوع در دستور کار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت. وی افزود: در تحقیقات اولیه هویت قاتل شناسایی و مشخص شد پس از ارتکاب جرم از استان خارج شده و به یکی از شهرهای استان تهران گریخته است و هیچ‌گونه خبری از وی در دست نیست. فرمانده انتظامی شهرستان کنگاور تصریح کرد: کارآگاهان پلیس آگاهی با انجام اقدامات فنی، کار اطلاعاتی و بهره‌گیری از روش‌های نوین پلیسی موفق شدند محل اختفای قاتل را در کمتر از ۵ روز شناسایی و با هماهنگی قضایی متهم را که قصد فرار مجدد به مکان نامعلومی داشت، دستگیر کنند. سرهنگ حق‌جوین در پایان افزود: متهم در بازجویی‌های اولیه به قتل اعتراف کرد و در مخفیگاه وی یک قبضه سلاح ساچمه‌ای غیرمجاز کشف و پس از تشکیل پرونده تحویل مراجع قضایی شد.

پیگیری پرونده / قضات دیوان حکم اعدام را شکستند

دسیسه شیطان BMW سوار

در پنت هاوس زعفرانیه



پسری بی‌ام و سوار با ترفندی خاص دختر جوان را به تله شیطانی انداخت. با شکسته شدن حکم اعدام پسر شیطان صفت که متهم است پس از تعارف آمپموه مسموم، دختر جوان را به تله شیطانی انداخته و آزار داده است، وی باز دیگر در دادگاه کیفری یک استان تهران از خود دفاعی یک استام آزار دختر جوان با آمپموه مسموم کرد.

۲۰ شهریور ماه سال ۱۴۰۲ دختر ۲۲ ساله‌ای به نام سارا به پلیس آگاهی رفت و از پسری که وی را بیهوش کرده و آزار داده بود، شکایت کرد. دختر جوان در تشریح شکایتش توضیح داد که چطور به تله شیطانی پسری BMW سوار

وقتی گفت: از محل کارم به خانه برمی‌گشتم که تصمیم گرفتم به مطب متخصص پوست در خیابان اندرزگو بروم. مقابل مطب ایستاده بودم که پسر جوانی که سوار بر BMW بود مقابل پایم توقف کرد. او به من

ایزاع علاقه کرد و شماره تلفنش را به من داد اما من گفتم ساراز گوشه موایلم در حال تمام شدن است. من به مطب رفتم و پس از ویزیت از مطب خارج شدم که دوباره پسر جوان را دیدم. او خودش را آرتین معرفی کرد و از من خواست تا سوار ماشین او بشوم تا با هم بیشتر آشنا شویم.

وی ادامه داد: من به او گفتم ساراز گوشه موایلم تمام شده و می‌خواهم اسنپ بگیرم. اما او با اصرار از من خواست تا به من سوار ماشینش شوم تا به من ساراز گوشه بدهد. او مرا مقابل خانه‌اش برد و چندین سیم

خواست تا پول آن را بپردازم اما چون قبول نکردم از من شکایت کرد تا آبرویم را ببرد. من قبول دارم با او رابطه داشته‌ام اما رابطه با میل او برقرار شد و اجباری در کار نبود. من اتهام تجاوز به عنف را قبول ندارم.

در پایان جلسه، قضات وارد شور شدند و با توجه به مدرک‌های موجود در پرونده و اظهار نظر کارشناسان پزشکی قانونی، پسر جوان را به اعدام محکوم کردند اما وی به حکم صادره اعتراض کرد. با اعتراض آرتین، پرونده در دیوان عالی کشور تحت رسیدگی قرار گرفت و قضات عالی رتبه با توجه به انکار متهم، حکم اعدام وی را شکستند و پرونده را به شعبه هم عرض ارسال کردند.

همچنین قرار شد با تحقیقات دوباره درباره ادعای دختر جوان، آرتین بار دیگر در دادگاه کیفری یک استان تهران از خود دفاع کند. این در حالی است که سارا همچنان بر صدور حکم اعدام اصرار دارد.

آتچا آمده بود.

در حالی که پسر جوان منکر تجاوز به عنف شده بود، برایش کپیفرخواست صادر شد و وی در شعبه ۱۱ دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستاد.

در دادگاه

در جلسه دادگاه دختر جوان برای آرتین حکم اعدام خواست و در حالی که اشک می‌ریخت، گفت: باور کنید من هیچ رابطه دوستانه‌ای با متهم نداشتم و او در اولین ملاقات با خوراوندن آمپموه مسموم مرا نیمه بیهوش کرد و آزارم داد. او حتی مرا تک زد و بدون توجه به التماس‌هایم زندگی‌ام را سیاه کرد.

اما وقتی پسر جوان روی قضات ایستاد جرمش را گردن نگرفت. وی گفت: من و سارا با هم رابطه دوستانه داشتیم و او با میل خودش سه بار به پنت‌هاوس من در محله زعفرانیه آمد و یک بار هم در خانه مادری‌ام با او رابطه برقرار کرد اما او با میل خودش به

اشک‌های مادر در جلسه محاکمه قاتل پسرش

مادر پسری جوان که تنها به خاطر چشم در چشم شدن به قتل رسیده است در جلسه دادگاه نه تنها گریه کرد بلکه کنترل خودش را از دست داد و بر سر قاتل فریاد کشید.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از ۲ سال قبل و از زمانی کلید خورد که نزاع خونینی بین چند جوان در یکی از بوستان‌های فردیس شروع شد.

وقتی شاهدان نزاع موضوع را به پلیس اطلاع دادند خیلی زود گشت نزدیک‌ترین کلانتری به محل درگیری رفت و با پیگیر خونین پسر جوانی روبرو شد که روی زمین افتاده بود. طولی نکشید که تیم پزشکی برای نجات او به محل رسیدند اما تلاش آنها برای نجات او بی‌فایده بود چرا که آثار ضربه‌های چاقو باعث خونریزی شدید وی شده بود. با مرگ سیامک بازپرس ویژه قتل در محل جنایت حضور یافت و در نخستین گام دستور داد جسد سیامک به پزشکی قانونی منتقل شود.

فراری تیم ویژه‌ای تشکیل دادند. تحقیقات اولیه آنها از محل جنایت نشان می‌داد که چند جوان به دنبال درگیری لفظی در یک بوستان دقایقی بعد به جان هم افتادند و سیامک توسط یکی از آنها که چاقو به دست بوده است به قتل رسیده و از صحنه جنایت خیلی زود متواری



تازه سرپا زیش تمام شده بود و قرار بود به دانشگاه برود و مرگ او را باور ندارم... به دنبال درخواست قصاص خانواده مقتول، متهم پشت میز محاکمه ایستاد تا به سؤالات دادرسان دادگاه پاسخ بدهد. فراری را در مخفیگاهش دستگیر کنند. با دستگیری متهم بود که رسیدگی به این پرونده قوت گرفت. این متهم جوان در حالی که در ابتدای اظهارات سعی داشت موضوع را جور دیگری وانمود کند اما طولی نکشید که در بازجویی‌های فنی لب به اعتراف گشود و راز جنایت را برملا کرد. میلاد ۲۵ ساله در اظهارات خود مدعی شد که درگیری من و مقتول از چند روز قبل به خاطر چند فحش شروع شد و روز حادثه وقتی چشم درچشم شدیم به دنبال فحش‌های بدی که مقتول به من داده بود سعی کردم با چاقو او را بترسانم اما نمی‌دانم چه شد که ناگهان چاقو به او برخورد کرد. به دنبال اعتراف میلاد به جنایت هولناکی که مرتکب شده بود او به اتهام قتل عمد بازداشت شد.

در دادگاه چه گذشت؟

متهم جوان به دنبال صدور کیفرخواست در دادگاه کیفری استان البرز پای میز محاکمه ایستاد. در آغاز جلسه دادگاه اولیای دم که پدر و مادر مقتول بودند خواستار قصاص متهم شدند. مادر مقتول درحالی که اشک می‌ریخت گفت پسر